درس ششم

سنت‌های خداوند

در درس قبل، با حقیقت اختیار و رابطهٔ آن با قضا و قدر الهی آشنا شدیم و دانستیم که قانون‌مندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار او می‌شود. در این درس می‌خواهیم با برخی از قانون‌ها و سنت‌های الهی که در زندگی انسان تأثیر بیشتری دارند، آشنا شویم تا با توجه به آنها برنامه‌ریزی کنیم و راه موفقیت را هموارتر سازیم.

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ .....
فَسيروا فِى الاَرْضِ فَانْظُروا .....
كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبينَ .....
آل عمران ۱۳۷

اَحَسِبَ النّاسُ اَنْ يُتْرَكوا — آیا مردم می‌پندارند رها می‌شوند؛
اَنْ يَقولوا آمَنّا — همین که گویند ایمان آوردیم،
وَ هُمْ لايُفْتَنونَ — و آزمایش نمی‌شوند؟
عنکبوت ۲

كُلًّا نُمِدُّ هٰؤُلاءِ — کمک می‌کنیم هم به اینان (نیکوکاران)
وَ هٰؤُلاءِ مِنْ عَطاءِ رَبِّكَ — هم به آنان (بدکاران) از عطای پروردگارت
وَ ما كانَ عَطاءُ رَبِّكَ مَحظورًا — و عطای پروردگارت منعی ندارد
اسراء ۲۰

وَلا يَحْسَبَنَّ الَّذينَ كَفَروا — آنان که کفر پیشه کرده‌اند تصور نکنند
اَنَّما نُمْلى لَهُمْ — اگر به آنان مهلت (بدکاری) می دهیم
خَيْرٌ لِاَنْفُسِهِمْ — به نفع آنهاست
اِنَّما نُمْلى لَهُمْ — فقط به این خاطر به آنان مهلت می‌دهیم
لِيَزْدادوا اِثْمًا — که بر گناهان خود بیفزایند
وَ لَهُمْ عَذابٌ مُهينٌ — درحالی که عذابی خوارکننده برای آنهاست
آل‌عمران ۱۷۸

وَالَّذينَ كَذَّبوا بِآياتِنا — و کسانی که آیات ما را انکار کردند
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ — به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد

مِنْ حَيْثُ لايَعْلَمونَ	از آن راه که نمی دانند
وَ اُمْلی لَهُمْ	و به آنها مهلت می دهم
اِنَّ كَيْدی مَتينٌ	همانا تدبیر من استوار است

اعراف ۱۸۲ و ۱۸۳

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ	.....
فَلَهو عَشْرُ اَمثالِها	.....
وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ	.....
فَلا يُجْزیٰ اِلّا مِثْلَها	.....
وَ هُمْ لا يُظْلَمونَ	.....

انعام ۱۶۰

وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُریٰ آمَنوا	اگر مردم شهرها ایمان آورده
وَ اتَّقَوا	و به تقوا گراییده بودند،
لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ	همانا برایشان می‌گشودیم
بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْاَرْضِ	برکاتی از آسمان و زمین
وَلٰكِنْ كَذَّبوا فَاَخَذْناهُمْ	ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختم
بِما كانوا يَكْسِبونَ	به کیفر آن چه کسب کردند

اعراف ۹۶

والَّذينَ جاهَدوا فينا	.....
لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا	.....
و اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنينَ	.....

عنکبوت ۶۹

خَلَت : گذشت	**سُنَن** : سنت‌ها
سيروا : جستجو کنید، بگردید	**لَنَهْدِيَنَّهُم** : حتماً آنان را هدایت می‌کنیم
جاءَ بِـ : آورد، بیاورد	**يُجزیٰ** : جزا داده شود

پیام آیات

با تفکر در آیات، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.

۱ – حیات فردی و اجتماعی انسان دارای ..... است.

سوره..... / آیه.....

۲ – با مطالعه زندگی ..... می‌توان این ..... به‌دست آورد.

سوره..... / آیه.....

۳– هرکس ادعای ایمان کند، ..... قرار می‌گیرد. سوره..... / آیه.....

۴– خداوند به کافران مهلت می‌دهد و آنان از این مهلت .....

سوره..... / آیه.....

۵– برخی انسان‌ها به تدریج گرفتار ..... می‌شوند. سوره..... / آیه.....

۶– مطابق با ..... الهی، میان پاداش و کیفر ..... وجود دارد.

سوره..... / آیه.....

۷– مطابق با ..... الهی، رفتار خوب یا بد انسان‌ها ..... تأثیر دارد.

سوره..... / آیه.....

۸ – رحمت واسعهٔ الهی به همهٔ افراد جامعه، چه نیکوکار و چه بدکار، .....

سوره..... / آیه.....

۹ – خداوند کسانی را که در راه او قدم بردارند، به‌طور خاص ... می‌کند.

سوره..... / آیه.....

سنت‌های الهی

براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون‌مندی است و پدیده‌های جهان در دایرهٔ قوانین خاصی حرکت می‌کنند و مسیر تکاملی را می‌پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را هم دربر می‌گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان «سنت‌های الهی» یاد کرده و انسان‌ها را به شناخت آنها، به‌خصوص سنت‌های مربوط به زندگی انسان‌ها دعوت نموده است. پیام شمارهٔ .....

شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه‌های الهی و درک عظمت خالق آنها و نیز بهره‌مندی از طبیعت می‌شود. امّا شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب تنظیم درست رابطهٔ انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می‌گردد و راه رسیدن به کمال را هموار می‌کند. برخی

از این سنّت‌ها عبارتند از :

۱ــ امتحان و ابتلاء : این سنت، مربوط به چگونگی و فرایند رشد و تکامل انسان و عامل ظهور و بروز استعدادهای اوست. هر انسان انتخابگری برای این که نیّت و تمایل درونی خود را نشان دهد و نتیجهٔ آنچه را برگزیده است، آشکارا مشاهده کند، همواره در معرض امتحان و آزمایش است. نیز کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می کند، وارد آزمایش‌های ویژه و امتحان‌های خاص می گردد. همهٔ انسان‌ها در طول عمر خود در معرض آزمایش‌اند و پیروزی یا شکست در این آزمایش‌ها، سبب جدا شدن انسان‌های خوب از بد و ساخته شدن و تکامل، یا خسران و عقب‌ماندگی آنها می گردد. اگر پیروز شویم به مرحلهٔ بالاتر راه می‌یابیم و با امتحان جدیدتری روبه‌رو می‌شویم. درست مانند دانش‌آموزی که در طول هر سال آزمایش می‌شود تا به کلاس بالاتر راه یابد.

پیام شمارهٔ .....

امام صادق علیه‌السلام می فرماید :

اِنَّمَا الْمُؤمِنُ	به راستی که مؤمن
بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْميزانِ	به منزلهٔ کفهٔ ترازوست
كُلَّما زيدَ فی ايمانِهِ	هر اندازه ایمانش افزوده شود،
زيدَ فی بَلائِهِ	امتحانش نیز سنگین‌تر می‌شود[1]

* کسی که می‌داند حوادث زندگی برای ابتلاء و امتحان و برای رشد و تکامل انسان است، در مواجهه با این حوادث چگونه برخورد می‌کند؟

۱ـ .....

۲ـ .....

۳ـ .....

۲ــ امداد الهی : در برابر دعوت انبیاء، مردم دو دسته می‌شوند : دسته‌ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند و دسته‌ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند. سنت الهی این است که هر کس با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم شود

۱ــ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۰

که در مسیری که انتخاب کرده، به پیش رود و سرشت خود را آشکار کند. یعنی خداوند برای هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌هایشان را فراهم می‌کند. در حقیقت، کسی که راه حق را برمی‌گزیند، مورد لطف خداوند قرار می‌گیرد و مراتب کمال را می‌پیماید و افرادی که فقط خواهان دنیا هستند و برای آن می‌دوند، آن را به دست می‌آورند. البته اینان عواقب زیانبار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهند کرد.[1] بنابراین روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناه‌کار نشانهٔ لطف خداوند به آنان نیست. زیرا از نعمت بی‌پایان الهی محروم مانده‌اند.

پیام شمارهٔ .....

۳ــ توفیق الهی: امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیّت پاک، قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند، «توفیق الهی» نام دارد. یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد.

یکی از جلوه‌های این توفیق، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد.

پیام شمارهٔ .....

در حقیقت، انسانِ حق‌گرا، خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است، هماهنگ کرده و درنتیجه نظام خلقت به او کمک می‌کند و یک قدمش به اندازهٔ ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد. برای مثال، قرآن کریم وعده می‌دهد که بیست نفر یا صد نفر انسان تقوا پیشه و شکیبا بر دویست نفر یا هزار نفر از کفار پیروز می‌شوند.[2]

۴ــ املاء و استدراج: آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق عناد و دشمنی می‌ورزند، خداوند به آنها مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آنها این فرصت را وسیلهٔ غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند؛ به‌طوری که اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حقّی در دل آنها بتابد، به‌تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار خواهند شد. درحقیقت، مهلت‌ها و امکانات، با اختیار و ارادهٔ خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و باعث می‌شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین‌تر شود. این سنت، که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی گناه‌کاران است، سنت «املاء» یا «امهال»[3] نام دارد.

پیام شمارهٔ .....

گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن، بر امکانات گمراهان می‌افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات، و با اصرار خود بیشتر در فساد فرو می‌روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته، و به‌تدریج

۱ــ اسراء، ۱۸ تا ۲۰

۲ــ انفال، ۶۵

۳ــ املاء و امهال به معنای مهلت دادن است.

به سوی هلاکت ابدی نزدیک‌تر می‌شوند. چنین حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی را سنت «استدراج» می‌خوانند.

پیام شمارهٔ .....

* برخی از مردم که با سنت‌های الهی آشنایی ندارند، روی آوردن امکانات به گناه‌کاران را چگونه تحلیل می‌کنند؟ و دچار چه حالتی می‌شوند؟

.....

.....

اما درک درست این موضوع، ما را به سوی چه تحلیلی هدایت می‌کند؟

.....

.....

۵ ــ تفاوت در پاداش و کیفر: با آنکه براساس عدل، خداوند باید به همهٔ بندگان براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما از آن‌جا که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازهٔ خودش پاداش و جزا می‌دهد.

پیام شمارهٔ .....

۶ــ تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت: رهنمودهای پیشوایان دین به ما می‌آموزند که زندگی ما به شدت تحت‌تأثیر رفتارهای ماست. به‌طور مثال، نیکوکاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر یا کوتاهی آن هستند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

مَنْ یَموتُ بِالذُّنوبِ	کسانی که به واسطهٔ گناه می‌میرند
اَکْثَرُ مِمَّنْ یَموتُ بِالآجالِ	از کسانی که به واسطهٔ سرآمد عمرشان می‌میرند، بیشترند.
وَ مَنْ یَعیشُ بِالْاِحْسانِ	و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند،
اَکْثَرُ مِمَّنْ یَعیشُ بِالْاَعْمارِ	از کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیشترند.[1]

۱ــ بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۰

دعا نیز می‌تواند سبب بسیاری از خوبی‌ها و مانع بسیاری از بلاها گردد، البته درصورتی که دعا با شرایط واقعی آن انجام شود و چیزی که انسان از خداوند درخواست می‌کند، در نهایت به ضرر او تمام نشود.

این سنت، یک سنت اجتماعی نیز هست. جامعه‌ای که در مسیر خوبی‌ها گام بردارد، درهای رحمت الهی را به روی خود می‌گشاید و جامعه‌ای که به گناه آلوده شود، به برخی عذاب‌ها گرفتار خواهد شد.

پیام شمارهٔ .....

* اکنون که با برخی از مهم‌ترین سنت‌های خداوند آشنا شدیم، لازم است برای حرکت درست در بستر این سنت‌ها و بهره‌مندی مطلوب از آنها به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم و مطابق با پاسخ‌های خود برنامه‌ریزی کنیم.

۱ – برای این‌که از سنت امتحان و ابتلاء موفق بیرون آییم چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

الف) .....

ب) .....

ج) .....

۲ – برای این‌که شکل مثبت امداد الهی نصیب ما شود و بهره‌مند از توفیق الهی گردیم چه برنامه‌هایی را پیشنهاد می‌دهید؟

الف) .....

ب) .....

ج) .....

۳– چگونه تشخیص دهیم گرفتار املاء و استدراج نشده‌ایم؟

.....

.....

.....

برای مطالعه

«انتخاب» دشوارترین لحظات برای انسان است.

وقتی «لحظهٔ انتخاب» فرا می‌رسد، وسوسه‌ها و تردیدها هم به سراغ تو می‌آیند، و آن «جلوه»ای را که در یک «برق معنویت» دیده‌ای، از نظر و نگاهت محو می‌سازند.

«چگونه بودن» یکی از همین انتخاب‌های دشوار است.

شخصیت تو در گرو همین تصمیم‌ها و برگزیدن‌هاست. این تویی که خمیر مایهٔ «هستی» خود را، با دو دستِ«انتخاب» خویش، شکل می‌دهی و می‌سازی.

یک شب، در خلوت خویش، روبه آینهٔ حقیقت بنشین و با خودت، بی‌واسطه و بی‌ریا حرف بزن. تو کیستی؟ چیستی؟ کجایی؟ چه می‌کنی؟ چگونه‌ای؟

تو مختاری؛ پس ناچار باید انتخاب کنی. بزرگی آدم‌ها به بزرگی انتخاب‌های آنهاست. تو می‌خواهی بزرگ باشی یا کوچک؟

این دیگر با خودِ توست، امّا این را هم بدان که انتخاب تو همواره با توست، تا ابد، تا همیشه![1]

۱ــ برگرفته از کتاب «گامی در مسیر» از جواد محدثی، با اندکی تصرف و اضافات

مرحلهٔ دوم

پایداری در عزم

درس هفتم

بازگشت

خدای متعال به حضرت داود علیه‌السلام فرمود:

ای داود، اگر روی‌گردانان از من چگونگی انتظارم برای آنان، مدارایم با آنان و اشتیاق مرا به ترک معصیت‌هایشان می‌دانستند، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می‌دادند و بندبند وجودشان از محبّت من از هم می‌گسست.[1]

تصمیم‌های جدید همواره برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن ادامهٔ راه نیست. بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیانباری برجای گذاشته است. این‌گونه تصمیم‌ها «توبه» نام دارد. در این درس می‌خواهیم بدانیم توبه چیست؟ و بازگشت حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱ــ میزان‌الحکمه، ج ۴، محمد محمدی ری شهری، ص ۲۷۹۷

وَمَنْ يَعْمَلْ سوءًا .....

اَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ .....

ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ .....

يَجِدِ اللّٰهَ غَفورًا رَحيمًا .....

نساء ۱۱۰

فَمَنْ تابَ .....

مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ .....

وَ اَصْلَحَ .....

فَاِنَّ اللّٰهَ يَتوبُ عَلَيْهِ .....

اِنَّ اللّٰهَ غَفورٌ رَحيمٌ .....

مائده ۳۹

اِلّا مَنْ تابَ و آمَنَ .....

وَ عَمِلَ عَمَلًا صالِحًا .....

فَاُولٰئِكَ يُبَدِّلُ اللّٰهُ .....

سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ .....

وَ كانَ اللّٰهُ غَفورًا رَحيمًا .....

فرقان ۷۰

سوء : کار بد

يَجِدِ اللّٰهَ : بیابد خدا را

اَصلَحَ : اصلاح کرد

يُبَدِّلُ : تبدیل می‌کند

عبد یا آزاد

صدای ساز و آواز بلند بود. هرکس که از نزدیک آن خانهٔ با شکوه می‌گذشت، می‌توانست حدس بزند که در درون خانه چه خبر است! بساط عیش و میگساری پهن بود و جام شراب پیاپی نوشیده می‌شد.

زنی که در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود، از آنجا می‌گذشت. از آن زن پرسید:

صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

زن گفت: آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست.

آن مرد گفت: معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود حرمت مالک و صاحب خود را نگه‌می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد.

رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مکث زیادتری در بیرون خانه بکند. هنگامی که برگشت، اربابش پرسید: «چرا دیر آمدی؟»

خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت: «مردی با چنین وضع و هیئتی می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.»

شنیدن ماجرا او را چند لحظه در اندیشه فروبرد. جملهٔ «اگر بنده می‌بود، حرمت مالک و صاحب خود را نگه می‌داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. یکباره از جابرخاست وبه خود مهلت کفش پوشیدن نداد. با پای برهنه به دنبال گویندهٔ سخن رفت. دوید تا خود را به وی رساند. به دست امام هفتم حضرت موسی علیه‌السلام توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بُشْربن حارث که تا آن روز در زمرهٔ اشراف زادگان و عیّاشان بود، در سِلک مردان پرهیزگار و خداپرست درآمد.[1]

انقلاب علیه خود

در میان موجودات پیرامون ما، گیاهان، به میزانی اندک، و حیوان‌ها، قدری بیشتر، می‌توانند در برابر موانع بیرونی جهت خود را تغییر دهند و مسیر حرکت را عوض کنند. امّا هیچ کدام از این‌ها توانایی آن را ندارند که علیه خود و تمایلات درونی کاری انجام دهند.

انسان، تنها موجودی است که هم می‌تواند با گناه به خود ستم کند و هم علیه خواسته‌های زشت خود قیام کند و انقلاب نماید.

۱ــ داستان راستان، استاد شهید مرتضی مطهری، داستان ۴۴

بررسی

با توجه به آنچه در سال‌های قبل دربارهٔ «نفس امّارهٔ به بدی» و «نفس لوّامه» و «خوددانی» و «خودعالی» آموخته‌اید، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – کدام یک از آیات ابتدای درس دربارهٔ ظلم به خود می‌باشد؟

.....

۲ – چگونه انسان به خود ظلم می‌کند؟

.....

۳– انقلاب علیه خود چگونه است؟ کدام خود علیه کدام خود انقلاب می‌کند؟

.....

.....

توانایی انقلاب علیه خود چه کاربردی دارد و در کجا باید از آن استفاده کرد؟

وجود ما با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش به زیبایی‌ها و کمالات متعالی سرشته است. همهٔ ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم و رشتهٔ محبّتی را که او بر گردن ما بسته است، می‌یابیم. «خدایی» شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست.[1] البته گرایش و شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. او با لطف و مهربانی بی‌پایان خود همهٔ ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک‌ترین همّت ما را با پاداش‌های بزرگ پاسخ می‌دهد. کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

ناسپاسی

با وجود چنین رابطه‌ای میان خالق و مخلوق، گاهی آدمی حرمت خدای خود را می‌شکند، گام در مسیر ناسپاسی می‌گذارد و خود را به گناهان آلوده می‌کند و از مسیر رستگاری دور می‌شود. گاهی نیز حرمت شکنی به تدریج افزایش می‌یابد و دامنهٔ گناه آنچنان گسترده می‌شود که چراغ عقل و فطرت به خاموشی می‌گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می‌شود و آدمی، پشت به خدا، به سویی که شیطان وسوسه‌اش می‌کند، قدم برمی‌دارد.

۱ــ فی مَقعَدِ صِدقٍ عِندَ مَلیکٍ مُقتَدِرٍ ــ قمر، ۵۵

اگر انسان هنگامی که اولین گناهان را مرتکب می‌شود، شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود را ببیند، به‌شدت از آن بیزاری می‌جوید و دوری می کند. اما پس از آن که در آن گرفتار آمد و خود را بدان عادت داد، آن تنفر اوّلیه را نیز فراموش می کند. «توجیه» گناه و «عادت» به آن، از پرتگاه‌های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است.

میزان تأثیر گناهان یکسان نیست. برخی گناهان تأثیرشان ضعیف، و برخی شدید و شدیدتر است. گناهان بزرگ به‌سرعت آدمی را از مسیر توحید و اخلاص خارج و گرفتار شیطان و هوس‌های شیطانی می کند. دروغ، ظلم به مردم، پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظالم، کسب مال حرام، فسادهای اخلاقی، شراب‌خواری، روابط نامشروع جنسی، تهمت، ترک عبادت‌هایی چون نماز و روزه از این قبیل گناهان هستند. برخی از این‌ها، هم زندگی دنیایی فرد را تباه می کنند، هم در نسل‌های آیندهٔ او اثر می گذارند و هم عذاب‌های شدید اخروی را در پی دارند.

نکتهٔ تلخ‌تر و رنج‌آورتر، غفلت از نگاه خداوند به انسان‌ها، در هنگام ارتکاب گناه است. آیا می‌شود در زیر نگاه خدای بینا، دست به گناه آلوده کرد اما ردّپایی از شرمساری و خجالت در قلب آدمی ظاهر نشود؟ چگونه جرأت می کنیم و چنین اجازه‌ای به خود می‌دهیم؟!

امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاران خود فرمود :

چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می‌بینی. پس اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. اگر فکر کنی او تو را نمی‌بیند، کفر ورزیده‌ای و اگر بدانی که او تو را می‌بیند و در عین حال در مقابل او گناه می کنی، او را خوارترین بینندگانِ به خود قرار داده‌ای![1]

*حالت خود را هنگام نافرمانی‌ها و خطاهایی که گاهی مرتکب می‌شوید، بررسی کنید و ببینید:

۱ – به کدام خطا عادت کرده اید و علت آن چیست؟

۲ – آیا به آثار سوءِ آن خطا آشنا هستید و می‌دانید چه اثری بر جای می‌گذارد؟

۳– هنگام انجام آن خطا، چه حالتی در پیشگاه خداوند دارید؟

۱ــ اصول کافی، ج۲، ص ۶۷

حقیقت توبه

توانایی انقلاب علیه خود که حاصل پشیمانی از گذشته است، به انسان امکان می‌دهد راه رفته را باز گردد و فرصت‌های از دست‌داده را جبران نماید. این موهبت بسیار گرانبهایی است که خداوند به بندگان هدیه کرده و دروازهٔ رحمتی است که بر روی بندگان گشوده و نام آن را «توبه» گذاشته است. توبه یعنی بازگشت و در مورد بندگان به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان‌برداری از خداوند است. البته این کلمه در قرآن کریم برای خداوند هم به‌کار می‌رود که در این صورت، به معنای بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان توبه‌کار است.

در آیهٔ ۳۹ سورهٔ مائده تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – در این آیه چه نامی به گناه داده شده است؟

.....

۲ – چرا خداوند این نام را به گناه داده است؟

.....

۳– برای رسیدن به مرحلهٔ آمرزش، چه مراحلی باید طی شود؟

.....

توبه و پاکی

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی‌هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست‌وشو می‌دهد. این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» می‌گویند.

امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

اَلتَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلوبَ	توبه دل‌ها را پاک می‌کند
وَ تَغْسِلُ الذُّنوبَ	و گناهان را می‌شوید[1]

به همین دلیل است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

اَلتّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ	کسی که از گناه توبه کرده
کَمَنْ لا ذَنْبَ لَهُ	مانند کسی است که گناه نکرده است[2].

۱ــ مستدرک الوسائل، میرزانوری، ج ۱۲، ص ۱۲۹

۲ــ همان، ص ۱۲۶

توبه نه تنها گناه را پاک می‌کند، بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می‌سازد.

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – کدام یک از این آیات دربارهٔ تبدیل گناهان به نیکی‌هاست؟

.....

۲ – با چه شرایطی این تبدیل صورت می‌گیرد؟

.....

مراحل توبه

توبه صرفاً یک کار ظاهری و لفظی نیست، بلکه تحوّلی درونی و قلبی است که آثار گناه را محو می‌کند. این تحوّل درونی بنابر کلام امام علی علیه‌السلام دارای مراحل زیر است:[1]

مرحلهٔ اوّل: پشیمانی از گذشته پشیمانی حالتی درونی است که شخص را دچار اندوه و حسرت می‌کند و شیرینی گناه را به تلخی تبدیل می‌سازد. تا وقتی شیرینی گناه در جان آدمی باقی است و از خاطرهٔ آن احساس لذت می‌کند، توبه آغاز نشده است. آمده است که یکی از پیامبران برای قبول توبهٔ فردی از بنی‌اسرائیل، به درگاه خداوند شفاعت کرد. خدای متعال به او فرمود: «به عزتم سوگند اگر همهٔ اهل آسمان‌ها و زمین برای وی شفاعت کنند، تا زمانی که شیرینی گناه در دلش باقی است، توبه‌اش را نپذیرم.»[2]

توبه بر لب، سُبحه[3] بر کف، دل پر از شوق گناه
معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما[4]

روشن است که اگر انسان، پس از انجام توبه، هنوز از گناه خود خوشش بیاید و از آن احساس لذت کند، در واقع هنوز پشیمان نشده و صرفاً ادعای پشیمانی کرده است. این مرحلهٔ توبه معمولاً با استغفار همراه است و انسان توبه‌کار با عبارت‌هایی مانند «اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ» پشیمانی خود را ابراز می‌کند.

۱ــ نهج‌البلاغه، حکمت ۴۱۷
۲ــ کنزالعمال، ح ۱۰۱۷۴
۳ــ سُبحه: تسبیح
۴ــ صائب تبریزی

* برای رسیدن به حالت پشیمانیِ پس از گناه، ابتدا پیش‌نهادهای خود را مطرح کنید و سپس پیش‌نهادهای مؤثرتر را انتخاب نمایید.

مرحلهٔ دوم: تصمیم بر تکرار نکردن گناه قدم دوم در توبه آن است که شخص تائب، تصمیم جدی بر ترک گناه بگیرد. اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمهٔ استغفار، در حال تکرار مداوم گناه، نه‌تنها پذیرفته نیست، بلکه استغفار را بی‌خاصیت می‌کند. اثر بدتر چنین استغفاری در کلام امام رضا علیه‌السلام آمده که فرموده است:

اَلْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ	کسی که از گناه استغفار کند
وَيَفْعَلُهُ	و در عین حال، انجامش دهد
كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ	مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است.[1]

* برای اینکه حالت پشیمانی، به تصمیم و ارادهٔ محکم بر ترک گناه بینجامد، چه راه‌حل‌هایی را پیش‌نهاد می‌دهید؟

مرحلهٔ سوم: جبران حقوق مردم با این که با دو مرحلهٔ قبل، عادت به گناه از بین می‌رود، امّا برخی از گناهان را که به حق‌الناس مربوط بوده، جبران نمی‌کند. از این رو فرد باید ستمی را که بر مردم کرده جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به‌دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، در حق آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر نماید.

توجه کنیم که حقوق مردم منحصر در حقوق مادی آنها نیست، مردم بر یکدیگر حقوق معنوی هم دارند که بسیار مهم‌تر از حقوق مادی است. اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا فیلم گمراه‌کننده، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته، اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده، در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است و باید فرد توبه‌کننده با تمام وجود به جبران حقوق از دست رفته بپردازد.

۱ــ کافی، ج ۲، کتاب الدعاء، ص ۵۰۴

مرحلهٔ چهارم: جبران حقوق الهی حق دیگر، حق خداوند بر مردم است که مهم‌ترین آن، حق اطاعت و بندگی اوست. توبه‌کننده باید بکوشد کوتاهی‌های خود در پیشگاه خداوند را جبران کند، برای مثال، نمازها یا روزه‌های از دست‌داده را قضا نماید و عبادت‌های ترک شده را به جا آورد.

البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه‌کار حداکثر تلاش خود را کرده و نتوانسته همهٔ گناهان را جبران کند، بقیهٔ موارد را خود جبران و او را عفو می‌کند.[1]

* رفتار و اخلاق خود را ارزیابی کنید و ببینید به کدام یک از حقوق خداوند و مردم کمتر توجه کرده‌اید. آنها را یادداشت کنید و برای جبران آن برنامه‌ریزی نمایید.

توبهٔ اجتماعی

همان‌طور که توحید عبادی دو جلوه دارد، جلوه‌ای در فرد و جلوه‌ای در جامعه، توبه نیز این گونه است. آن‌چه تاکنون گفته شد، مربوط به توبهٔ فردی بود. اما اگر جامعه‌ای در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شود، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است؛ یعنی نیازمند توبه است.

انحراف‌های اوّلیهٔ اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند. رباخواری، رشوه‌گرفتن، بی‌توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم‌کردن و ظلم‌پذیری و اطاعت از غیر خدا، از جملهٔ این بیماری‌ها و انحراف‌هاست.

راه اصلاح و معالجهٔ جامعه از این بیماری‌ها انجام دادن وظیفهٔ امر به‌معروف و نهی از منکر است. اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی‌تر و محکم‌تر می‌شوند و تمام سطوح جامعه را در برمی‌گیرند. در واقع اگر مردم در برابر اولین نمودهای گناه حساسیت نشان دهند و در برابر آن بایستند و بکوشند که جامعه را به وضع اعتدال باز گردانند، به‌آسانی می‌توانند مانع گسترش آن شوند. اما اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد و به‌تدریج انحرافِ از حق ریشه بدواند، اصلاح آن مشکل می‌شود و تلاش‌های بزرگ و فعالیت‌های ایثارگرانه می‌طلبد؛ تا آن‌جا

۱ــ امیرمؤمنان علیه‌السلام برای کسانی که بخواهند در ردیف اولیای بزرگ الهی قرار گیرند و به مقام «علیین» برسند. دو مرحلهٔ دیگر بیان می‌فرماید که عبارت است از: پنجم: گوشتی که از حرام بر تن انسان روییده، با حزن و اندوه آب شود تا پوست به استخوان بچسبد و گوشت جدید در زیر پوست روییده شود. ششم: انسان توبه‌کار، زحمت و سختی عبادت را به بدن بچشاند، همچنان که شیرینی گناه را چشانده بود.

که ممکن است نیاز باشد انسان‌های بزرگی جان و مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباهی مطلق برهانند و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند.

برای مثال، اگر آن زمان که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام برای کوتاه‌کردن دست معاویه از حکومت اقدام کرد، مسلمانان به‌طور دسته‌جمعی از ایشان حمایت می‌کردند و اگر پس از شهادت ایشان، مردم به‌طور همه‌جانبه از امام حسن علیه‌السلام پیروی می‌نمودند و اگر مردم در مقابل نصب یزید به خلافت اعتراض می‌کردند و زیر بار نمی‌رفتند، انحراف از اسلام آنقدر عمیق و گسترده نمی‌شد که لازم باشد امام حسین علیه‌السلام و خانواده و یارانش، برای جلوگیری از نابودی اسلام، خود را فدا کنند.

تا چه زمانی برای توبه‌کردن مهلت داریم؟

پاسخ این سؤال را با ذکر کلامی از امیرمؤمنان آغاز می‌کنیم؛ آن حضرت در پاسخ کسی که از او موعظه‌ای درخواست کرد، فرمود:

«از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطهٔ آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر انداخته است؛ دربارهٔ دنیا زاهدانه سخن گوید، امّا هم‌چون دنیادوستان عمل کند...»[1]

در پاسخ به سؤال بالا می‌گوییم، گرچه تمام طول عمر ظرف زمان توبه است و تا لحظهٔ مرگ می‌توان توبه کرد[2]، امّا بهترین زمان برای توبه، دورانی است که توبه آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است. بر این اساس، باید به چند نکته توجه کنیم.

۱ــ از آن‌جا که دورهٔ جوانی دورهٔ انعطاف‌پذیری، تحوّل و دگرگونی و دورهٔ پیری دورهٔ کم‌شدن انعطاف، تثبیت خوی‌ها و خصلت‌ها است، اگر در دورهٔ جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آمد، خارج‌کردن آن خصلت‌ها در پیری بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. خصلت‌های ناپسندی که در ما پدید می‌آیند، شبیه طناب‌هایی هستند که بر پای انسان بسته می‌شوند یا شبیه تورهایی هستند که آدمی را در دام خود گرفتار می‌سازند؛ هرقدر که زمان می‌گذرد، آن طناب‌ها و تورها محکم‌تر می‌شوند و ارادهٔ آدمی ضعیف‌تر می‌گردد و پاره‌کردن آنها بسیار سخت و گاه نزدیک به محال می‌شود.

۲ــ خوش‌گذرانی در دورهٔ جوانی به امید توبه‌کردن در دوران پیری، حیلهٔ خطرناک شیطان است. زیرا:

اوّلاً، پیری محصول کشت جوانی است. چند نفر گناه‌کار سراغ دارید که در پیری توانسته باشند

۱ــ نهج‌البلاغه، حکمت ۱۵۰

۲ــ اصول کافی، ج۲، ص ۴۴۰، کتاب ایمان و کفر

خود را متحول سازند؟ هرکس در پیرامون خود بنگرد می‌بیند که چنین افرادی بسیار نادر و محدودند.

ثانیاً، چه تعداد از آدم‌های گناه‌کار به پیری رسیده‌اند تا فرصت توبه پیدا کنند؟

ثالثاً، فریب بزرگ شیطان این است که لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه می‌دهد. آدم‌های زیرک و هوشیار، گول این فریب را نمی‌خورند. آنان که خوشی و لذت را از راه گناه جست‌وجو می‌کنند، در همان حالِ لذت گناه، با نگرانی‌های روحی و روانی درگیر می‌شوند که نمی‌گذارند لذت گناه کام آنان را شیرین کند. امّا چون از حقیقت مطلب غافلند، برای رفع آن رنج‌های روحی و روانی، خود را سرگرم گناهان بزرگ و بزرگ‌تر می‌کنند تا این که سرانجام به‌طور کامل در منجلاب فساد غرق می‌شوند و راهی برای بیرون‌آمدن نمی‌یابند. امّا خداوند برنامهٔ زندگی را برای مؤمنان به‌گونه‌ای تنظیم کرده که هم از لذت‌های عالی معنوی برخوردار شوند و هم بی‌دغدغهٔ گناه و به دور از رنج‌های روانی، از لذت‌های مادی و طبیعی نیز بهره ببرند.

برای مطالعه

امام خمینی رحمة‌الله علیه می‌گوید:

«بهارِ توبه، ایام جوانی است، که بار گناهان کمتر و کدورت قلبی و ظلمت باطنی ناقص‌تر و شرایط توبه سهل‌تر و آسان‌تر است. انسان در پیری، حرص و طمع و حبّ جاه و مال و طول آرزویش بیشتر است، و این به تجربه ثابت شده است و حدیث شریف نبوی شاهد بر آن است. فرض کنیم که انسان بتواند در ایّام پیری به توبه قیام کند، از کجا به پیری برسد و اجل موعود، او را در سن جوانی و در حال اشتغال به نافرمانی نرباید و به او مهلت دهد؟...

پس ای عزیز، از کیدهای شیطان بترس و در حذر باش، و با خدای خود مکر و حیله مکن که پنجاه سال یا بیشتر شهوت‌رانی می‌کنم و دم مرگ با کلمهٔ استغفار جبران گذشته می‌کنم؛ این‌ها خیال خام است. اگر در حدیث دیدی یا شنیدی که حق‌تعالی بر این امت لطف فرموده و توبهٔ آنها را تا قبل از مشاهدهٔ آثار مرگ یا خودِ آن قبول می‌فرماید، صحیح است؛ ولی هیهات که در آن وقت توبه از انسان سرزند! مگر توبه لفظ است؟! اقدام به توبه زحمت دارد؛ برگشت و عزمِ بر برگشت‌نکردن، ریاضت‌های علمی و عملی لازم دارد، ... چه بسا باشد که قبل از فکر توبه یا عملی کردن آن، اجل مهلت ندهد و انسان را با بار معصیت‌های سنگین و ظلمت بی‌پایان گناهان، از این جهان منتقل نماید. آن وقت خدا می‌داند که انسان به چه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها دچار می‌شود ...

پس ای عزیز، هرچه زودتر دامن همت به کمر بزن و عزم رامحکم و اراده را قوی کن و

از گناهان، تا در سن جوانی هستی یا در حیات دنیایی به‌سر می‌بری، توبه کن و مگذار فرصت خداداد از دستت برود؛ به تسویلات[1] شیطانی و کیدهای نفس امّاره اعتنا مکن.»[2]

مولوی، دربارهٔ کسی که فریب شیطان را می‌خورد و توبه را به تأخیر می‌اندازد، مثال زیر را می‌زند :

همچو آن شخصِ درشتِ خوش سُخُن
در میان ره نشاند او خاربُن
هر دمی آن خاربُن افزون شدی
پای خلق از زخم آن پرخون شدی
جامه‌های خَلق بدریدی زخار
پای درویشان بِخَستی زار زار
چون به جد حاکم بدو گفت این بکَن
گفت آری برکَنَم روز یش من
مدتی فردا و فردا وعده داد
شد درخت خارِ او محکم نهاد
گفت روزی حاکمش ای وعده کَژ
پیش آ در کار ما واپَس مَخَژ
تو که می‌گویی که فردا، این بدان
که به هر روزی که می‌آید زمان
آن درختِ بَد جوان‌تر می‌شود
وین کَنَنده پیر و مضطر می‌شود
خار بُن در قوّت و برخاستن
خارکَن در پیری و در کاستن
خار بُن هر روز و هر دم سبزتر
خارکَن هر روز زار و خشک‌تر
او جوان‌تر می‌شود تو پیرتر
زود باش و روزگار خود ببَر

مثنوی مولوی/ دفتر دوم

۱ــ **تسویل** : اغوا کردن، به گمراهی افکندن، آراسته و زیبا جلوه دادن

۲ــ شرح چهل حدیث، امام خمینی (رحمة‌الله علیه)، ص ۲۷۳، با ساده‌سازی برخی کلمات و عبارات

اندیشه و تحقیق

۱ – به آیهٔ ۳۹ سورهٔ مائده نگاه کنید و ببینید که در هنگام توبه، علاوه بر بازگشت انسان گناهکار چه بازگشت دیگری مطرح شده است و آن بازگشت نتیجهٔ چیست؟

۲ – در هر سه آیه ای که در ابتدای درس آمده دو صفت برای خداوند ذکر شده است. آن دو صفت کدامند؟ چه رابطه‌ای میان آن دو صفت و توبه وجود دارد؟

۳– مهم‌ترین ناسپاسی از خداوند چیست؟ و چه موقع انسان دست به چنین ناسپاسی می‌زند؟

۴– بنابر سخن امام صادق علیه‌السلام، برای اینکه انسان به سمت گناه نرود، باید چه دیدگاهی دربارهٔ خدا داشته باشد؟

۵– بنابر سخن امیرمؤمنان، چه چیزی قلب‌ها را پاک می‌کند و گناهان را می‌شوید؟

۶– بنابر سخن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شخص توبه‌کننده مانند چه کسی است؟

۷– آیا برای توبه کردن پشیمانی از گذشته کافی است؟ در غیر این صورت، چه کارهای دیگری باید انجام شود؟

پیشنهاد

*۱ – آیات ۵۰ تا ۶۰ و ۸۴ تا ۹۵ سورهٔ هود را مطالعه کنید و ببینید که چه عاملی باعث شد قوم عاد و قوم مدین گرفتار عذاب شوند.

۲ – مناجات التائبین را در کتاب «مفاتیح الجنان» بخوانید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

الف) گناه چه آثاری در وجود انسان باقی می‌گذارد؟

ب) چه اموری است که جز خداوند، دیگری توان انجام آن را ندارد؟

ج) خداوند چه راهی پیش پای گناه‌کار قرار داده که راه عذرآوردن را بر او بسته است؟